

تاریخ: ۱۳۸۹، ۸، ۲۲
شماره: ۹۸۳، ۸۷۱
پیوست: دله



سمه تعالی

مدیریت محترم کل دبیرخانه شورای نگهبان

ورود به دبیرخانه شورای نگهبان

شماره ثبت: ۸۹۱۱، ۴۰۸۰۱

تاریخ ثبت: ۱۹۹، ۲۱

ساعت ورود: صبح عصر

با اهداء سلام:

بازگشت به نامه شماره ۱۹۰۴۰۲۱۴۹ مورخ ۱۳۸۹/۲/۲۳ به

پیوست تصویر دادنامه شماره ۳۳۰ مورخ ۱۳۸۹/۱/۲۰

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری جهت اطلاع و اقدام مقتضی ارسال می شود.

دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

(Handwritten signature)
دیوان عدالت اداری



فلا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۸۹/۸/۱۰

کلاس پرونده: ۹۸۳/۸۷

شماره دادنامه: ۳۳۰

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: آقای عبدالرزاق جامی فروشانی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه‌های شماره ۲۵۹۶/۲۸۹۷۴-۲۱۱ مورخ ۸۵/۷/۲۴ و شماره ۱۷۹۸۸ مورخ ۸۶/۷/۱۵ سازمان امور مالیاتی کشور و اداره کل امور مالیاتی استان اصفهان و رأی شماره ۴۱۰ مورخ ۸۷/۶/۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

گردشکار: شاکی در دادخواست تقدیمی خود اعلام داشته است، طبق ماده ۱۶۷ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب سال ۶۶ و اصلاحیه مصوب ۸۰/۱۱/۲۷، وزارت امور اقتصادی و دارایی یا سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند نسبت به مؤدیانی که قادر به پرداخت بدهی مالیاتی خود اعم از اصل و جریمه به طور یکجا نیستند از تاریخ ابلاغ مالیات قطعی، بدهی مربوط را حداکثر به مدت سه سال تقسیط نماید، بدیهی است منظور از جریمه مذکور در عبارت «بدهی مالیاتی خود اعم از اصل و جریمه» در ماده فوق جریمه قبل از تقسیط است نه بعد از تقسیط، لذا بخشنامه شماره ۲۵۹۶/۲۸۹۷۴-۲۱۱ مورخ ۸۵/۵/۲۴ رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور که مقرر می‌دارد: «تضمین کافی برای جرایم تاخیر دوران تقسیط اخذ گردد تا در صورت پرداخت به موقع اقساط در سررسیدهای مقرر و بنابه درخواست مؤدی نسبت به بخشودگی جرایم مزبور و استرداد تضمین اخذ شده اقدام لازم به عمل آید.» و بخشنامه شماره ۱۷۹۸۸۰ مورخ ۸۶/۷/۱۵ مدیر کل امور مالیاتی استان اصفهان که دستورالعمل برای جرایم دوران تقسیط صادر کرده است و دادنامه شماره ۴۱۰ مورخ ۸۷/۶/۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری که در تایید بخشنامه‌های مورد شکایت صادر شده است، رجعت به ماده ۱۵۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۴۵/۱۲/۲۸ می‌باشد، که مقرر می‌داشت: «وزارت دارایی می‌تواند نسبت به مؤدیانی که قادر به پرداخت بدهی مالیاتی خود اعم از اصل و جریمه به طور یکجا نیستند

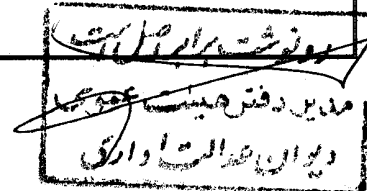
مدیر دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

با اضافه نمودن زیان دیرکرد متعلق قرار تقسیط برای مدتی که از تاریخ ابلاغ مالیات قطعی از دو سال تجاوز نکند، بگذارد» ولی در راستای فرمان امام خمینی (ره) راجع به حذف قوانین خلاف شرع مقدس اسلام به موجب تبصره یک ماده ۴ لایحه قانونی مربوط به اصلاح پاره‌ای از مواد قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۵۹/۳/۲، عبارت «با اضافه نمودن زیان دیرکرد متعلق» از ماده ۱۵۸ حذف شد. با این تفاوت که در بخشنامه‌های موصوف «زیان دیرکرد متعلق» را طبق ماده ۱۴۶ قانون معادل سه چهارم یک درصد در ماه در مورد مودیان مشمول قانون نظام صنفی و یک درصد در ماه در سایر موارد را به «جرایم تاخیر دوران تقسیط» با سود ۲/۵٪ در ماه تغییر دادند که این بر خلاف ماده ۱۹۰ و ۱۶۷ قانون مصوب سال ۶۶ می‌باشد. بدین نحو که، چنانچه مودی به هر دلیل قادر به پرداخت یکی از اقساط بدهی‌اش در سررسید مقرر نگردد، بر خلاف ماده ۱۹۰ قانون جریمه‌ای معادل ۲/۵٪ مالیات قسط پرداخت نشده، به ازای هر ماه تاخیر تعلق می‌گیرد، بهره متعلق به مالیات تمام اقساط را که در بخشنامه اداره کل نامبرده ۱۲ قسط فرض شده است دریافت نمایند، یا چنانچه مدت تقسیط مالیات سه سال باشد، سود متعلق به مدت سه سال دوران تقسیط را به جهت تاخیر در پرداخت یکی از اقساط اخذ نمایند، به عبارت دیگر سود متعلق به مالیات‌های اقساط پرداخت شده را به خاطر تاخیر در پرداخت یک قسط مالیات، تحت عنوان جریمه تاخیر دوران تقسیط از مودی وصول نمایند. در صورتی که طبق ماده ۱۶۷ به دوران تقسیط جریمه‌ای تعلق نمی‌گیرد تا حسب بخشنامه سازمان یاد شده «در صورت پرداخت به موقع اقساط در سررسیدهای مقرر و بنابه درخواست مودی نسبت به بخشودگی جرایم مزبور و استرداد تضمین اخذ شده اقدام لازم به عمل آید.» لذا با تغییر «سود دوران تقسیط» به «جرایم تاخیر دوران تقسیط» حرمت ربا که در آیه شریفه ۲۷۵ سوره بقره با نص صریح «احل الله البیع و حرم الربا» بیان گردیده است، از بین نخواهد رفت، بنابراین وصول جریمه دوران تقسیط که نوعی مالیات است، بدون اخذ مجوز قانونی بر خلاف اصل ۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که مقرر می‌دارد: «هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون» علیهذا به لحاظ مغایرت بخشنامه‌ها و دادنامه مورد شکایت با موازین شرعی به استناد ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری، متقاضی ابطال آن می‌باشم. مدیرکل دفتر حقوقی سازمان





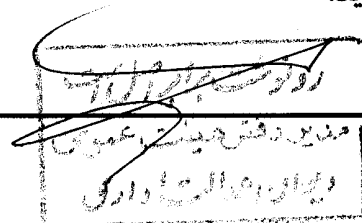
فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

امور مالیاتی کشور در پاسخ به شکایت شاکی طی لایحه دفاعیه‌ای به شماره ۲۱۲/۱۳۴۶۸۲ مورخ ۸۷/۱۲/۲۴ اعلام داشته است، شاکی قبلاً نیز شکایت مشابهی را دائر بر ابطال بخشنامه‌های معترض عنه به لحاظ مغایرت با قانون تقدیم آن هیأت نموده که تحت کلاسه ۵۳۰/۸۶/هـ مطرح رسیدگی و برابر لایحه دفاعیه شماره ۲۱۲/۴۲۲۴۴ مورخ ۸۷/۵/۲، تبادل لوایح شده و نهایتاً با رسیدگی دادنامه شماره ۴۱۰ مورخ ۸۷/۶/۳، دائر بر عدم مغایرت بخشنامه‌های مورد اعتراض با قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی دولت شناخته نشده است اینک مجدداً شاکی نسبت به همان موضوع که قبلاً رسیدگی شده با خواسته جدید دائر بر ابطال بخشنامه‌های مورد اعتراض و همچنین دادنامه فوق‌الذکر به دلیل مغایرت با شرع تقاضای رسیدگی نموده است، نظر به اینکه به استناد مقررات حکم ماده ۴۱ قانون دیوان عدالت اداری پرونده جهت اظهار نظر می‌بایستی به شورای محترم نگهبان ارسال شود و از سویی نظر فقهای شورا برای هیأت عمومی لازم‌الاتباع بوده با وصف حاضر این سازمان با توجه به مقررات یاد شده مواجه با تکلیفی نمی‌باشد. دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن موضوع بخشنامه‌های شماره ۲۵۹۶/۲۸۹۷۴-۲۱۱ مورخ ۱۳۸۵/۷/۲۴ و شماره ۱۷۹۸۸ مورخ ۸۷/۶/۳ اعلام داشته‌اند، چون اخذ تضمین در مقابل پرداخت مالیات و جریمه دیرکرد آن است و هیچ یک از این دو دین نیست فلذا این تضمین مصداق الزام به پرداخت ربا نیست. اما چون مفروض این است که قانونی دال بر تعلق پرداخت مبلغ تضمین شده نداریم از این رو اخذ تضمین، الزام به پرداخت مبلغی زائد بر حق متعلق سازمان امور مالیاتی است و از مصادیق اکل مال به باطل و خلاف موازین شرع است و برگرداندن چک‌های تضمینی به شرط چک‌های اصلی حل مشکل نمی‌کند، زیرا اگر در وقت خود این چک‌ها پرداخت نشد، گرفتن تضمین اقتضای گرفتن وجه چک‌های تضمینی را می‌کند و خلاف موازین شرع و حرام است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی





فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

با عنایت به نامه شماره ۳۸۱۶۹/۳۰/۸۹ مورخ ۱۳۸۹/۲/۱۳ قائم مقام محترم دبیر شورای نگهبان، متضمن اعلام نظر فقهای معظم آن شورا مبنی بر اینکه «چون اخذ تضمین در مقابل پرداخت مالیات و جریمه دیرکرد آن است و هیچ یک از این دو دین نیست، فلذا این تضمین مصداق الزام به پرداخت ربا نیست اما چون مفروض این است که قانونی دال بر تعلق پرداخت مبلغ تضمین شده نداریم، از این رو اخذ تضمین، الزام به پرداخت مبلغی زائد بر حق متعلق سازمان امور مالیاتی است و از مصادیق اکل مال به باطل و خلاف موازین شرع است و برگرداندن چک های تضمینی به شرط پرداخت چک های اصلی حل مشکل نمی کند، زیرا اگر در وقت خود، این چک ها پرداخت نشد، گرفتن تضمین اقتضای گرفتن وجه چک های تضمینی را می کند و خلاف موازین شرع و حرام است» علیهذا بخشنامه های شماره ۲۵۹۶/۲۸۹۷۴-۲۱۱ مورخ ۱۳۸۵/۷/۲۴ سازمان امور مالیاتی کشور و شماره ۱۷۹۸۸ مورخ ۱۳۸۶/۷/۱۵ اداره کل امور مالیاتی استان اصفهان در اخذ تضمین منجر به دریافت وجه مازاد بر اصل مالیات و جریمه متعلقه، در اجرای ماده ۴۱ قانون دیوان مغایر شرع تشخیص و مستنداً به بند یک ماده ۱۹ و ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری حکم بر ابطال آنها از تاریخ صدور، صادر و اعلام می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

محمدجعفر منتظری

روزنامه عدالت
مدیر دفتر هیأت عمومی
دیوان عدالت اداری